اصطلاح متقدمین و متاخرین در بیان محقق حلی و مقدمه کتاب معتبر

(26:30)

شاگرد: متاخرین را فرمودید اما متقدمین را نفرمودید.

استاد: مقدمه معتبر از جاهای خیلی خوبی است. محقق در مقدمه معتبر اسم میبرند و قشنگ معیّن میکنند. من همه عبارت را نمی خوانم. میفرمایند: علماء به قدری زیاد بودند...؛ اینها خیلی مهم است. «لمّا كان فقهائنا رضوان اللّه عليهم في الكثرة إلى حد يتعسر ضبط عددهم، و يتعذر حصر أقوالهم لاتساعها و انتشارها، و كثرة ما صنّفوه»[1]؛ یعنی این قدر گستردہ بودہ اند. خیلی جالب است. یعنی یکی-دو تا نبودند. آن هم زمان ایشان. لذا میگویند: چون خیلی وسیع هستند من این جور اختصار میکنم. هر وقت من این عبارت محقق در معتبر را میبینم، به یاد حرف صاحب وسائل در خاتمه وسائل میافتم. فرمودہ اند: در زبانها مدام میگویند اصول اربعمأة. چهار صد اصل روائی! ایشان میگویند چهارصدتا کجا بود؟! شش هزار و خردہ ای اصل روائی بین علماء و روایت شیعه بوده. [d1] بعد میگویند پس چرا اصول اربعمأة میگوییم؟ آن چهارصدتا از کجا آمدہ؟ ایشان میگویند آن چهارصدتا فقط اصل شاگردان امام صادق علیه‌السلام بودند. یعنی دستگاه اصول روائی این قدر گستردہ بودہ. در اینجا هم میگویند از بس زیاد است، نمیشود. بعد میگویند من انتخاب کردم؛ بزرگانشان و کسانی که اهل اجتهاد بودند. تا اینجا که میگویند: « فممن اخترت نقله الحسن بن محبوب...»؛ یعنی از محدثین و رواة. «و من المتأخرين أبو جعفر محمد بن بابويه القمي (رض)، و محمد بن يعقوب الكليني و من أصحاب كتب الفتوى علي بن بابويه، و أبو علي بن الجنيد، و الحسن بن أبي عقيل العماني، و المفيد محمد ابن محمد بن النعمان، و علم الهدى، و الشيخ أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي...[d2] ». منظور اینکه متاخرین و متقدمین در اصطلاح ایشان به این صورت به کار رفته است.

شاگرد: یعنی بقیه تابع این افراد هستند و لازم نیست نظرات آنها بیاید؟

استاد: بله، اشاره هم کردہ بودند که وقتی قول اینها را برای شما بگویم تقریباً قول بقیه هم میآید. نکته ای که هست این است که ایشان کلمه متاخرین را داشتند. وقتی به خودشان میگوییم: رئیس متاخرین هستند، معلوم است که کلمه متاخرین که محقق در اینجا میگویند منظورشان خودشان نیست. و لذا روی متاخرین اصطلاح ایشان، بعد از مثل شیخ و مفید میشوند. احتمال اینکه منظورشان از متاخرین صاحبین فتوا باشد، هست. عبارتش را بعداً خودتان نگاه کنید.

شاگرد: [متاخرین از] فقهاء ندارند؟

استاد: من کلمه فقهاء را نگفتم. گفتم متقدم و متأخر می‌آورند. در کلمات ایشان می‌زان هست. ظاهراً متقدمین کسانی بودند که در عصر معصومین بودند، متاخرین کسانی بودند که بعد از زمان غیبت صغری بودند. این متقدمین در نقل است. «من اصحاب کتب الفتاوا» که این هم باز متقدمین و متاخرین دارد. متقدمینش آن سه تا می‌شوند. از مفید ای از شیخ به بعد متاخرین شروع می‌شود.

(30:35)

خُب سید بحر العلوم فرمودند:

«و تردّد آخرين في المسألة كما مرّ، على أنّ المعتمد من الشهرة في مقام الترجيح هي الشهرة بين متقدّمي الأصحاب، كرواة الأخبار و التابعين لهم»؛ همین که در مقدمه معتبر هم توضیحش را دادند.

«و أمّا الشهرة الحاصلة بعد زمان الشيخ رحمه اللّه ففيها كلام مشهور»؛ ظاهراً این کلام مشهور از همان درایه شهید ثانی شروع شده. این کلام در درایه شهید ثانی مطرح شده. اینکه شیخ الطائفه ابهتی داشتند که بعد از ایشان مدت ها فقهاء احتراماً ای اعتماداً با ایشان مخالفتی نداشتند. **«و إن كان الحقّ عدم خلوّها عن نوع تأييد»؛** یعنی مشهور بعد از شیخ.

این برای شهرت حاصل بعد از شیخ است. خُب در مانحن فیه شیخ برای این روایات محمل آورده‌اند و قبول نکرده‌اند.

---

[1] المعتبر في شرح المختصر المؤلف : المحقق الحلي الجزء : ۱ صفحة : ۳۳

[d1]به كلام منطبق از وسائل دستررسی پیدا نکردیم ولی شاید اشاره به این جمله باشد: وسائل الشيعة، ج30، ص: 167:

و أما ما نقلوا منه و لم يصرحوا باسمه فكثير جدا، مذكور في كتب الرجال، يزيد على ستة آلاف و ستمائة كتاب، على ما ضبطناه.

[d2]المعتبر في شرح المختصر، ج1، ص: ۳۳

بازبینی #3
ایجاد شده 5 فوریه 2026 16:00:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 16:11:41 توسط ... .